ABOUT 2001 CRISIS
http://www.ghandchi.com/341-Crisis-plus.htm

درباره بحران 2001

سام قندچی

بحران اقتصادي 2001 اولين بحران عمده اقتصاد اطلاعاتي بود و به بسياري از بدبيني ها درباره اقتصاد اطلاعاتي دامن زد. اقتصادي كه اميد آن ميرفت كه يک سكتور موازي تجارت سنتي را، از طريق تجارت الكترونيكeCommerce، بوجود آورد، با از هم پاشي شركت هاي دات كام در سال 2000 ، به يكباره فرو ريخت، و در پي اش سقوط صنايع ارتباطاتtelecom و شبكه هاي كامپيوتريnetworking.

واقعيت آن است كه تجارت الكترونيک نمرد. آنچه احتياج داشت تغيير عادت هاي بشر بود، تا از امكانات اينترنت استفاده شود و نه تجارت سنتي و همچنين كاربردهاي applications زندگي واقعي و نه برنامه هاي كامپيوتري محدود كنوني.

تغيير عادات با نسل جديد كه كارهاي زيادي را روي كامپيوتر ميكند به واقعيت ميپيوندد، و همچنين كابينه كلينتون در آمريكا تشويق عادات جديد براي شهروندان را آغاز كرد، استفاده از كامپيوتر و اينترنت در زندگي روزمره، و گرچه تشويق عادات جديد با كابينه بوش متوقف شد، انتظار ميرود بعد از بوش در آمريكا، و نقاط ديگر جهان توسط رهبران سياسي، ادامه يابد.

از سوي ديگر، كاربرهايapplications بيشتر با احساس زندگي واقعي، در حال توسعه هستند، كه بازارهاي خريد مجازيvirtual shopping malls را هم توان بازارهاي واقعي كنند، و به مشتريان احساس رفتن به يک بازار واقعي نظير ادمونتونEdmonton در كانادا را بدهند. البته كاربردها به تجارت الكترونيک محدود نيست، و آنها پيشبران موج بعدي اينترنت هستند، كه براحتي ميتواند اينترنت2 **Internet2** ناميده شوند، كه با گروه تازه اي از كاربرانapplications، نظير حضور مجازيvirtual presence ، كه در امتزاج با اينترنت سريع هستند، در حال رشد هستند.

به عبارت ديگر، اين درست نيست كه عصر كامپيوترها و شبكه هاnetworks به پايان رسيده. واقعيت آن است كه اقتصاد اطلاعاتي در واقع تازه با موج جديد كاربردها و شبكه ها شروع خواهد شد، و گرچه عرصه هاي ديگر تكنولوژي نو نظير بيو تک و ننوتک نقش هاي مهمي در آينده در حال شكل گيري خواهند داشت، اما اقتصاد اطلاعاتي، كامپيوترها، كاربردها، و شبكه ها، كماكان محرک هاي اصلي در دهه آينده خداهند بود، و بدبيني درباره اين تكنولوژي ها درست نيست.

حتي شغل هاي مربوط به اقتصاد اطلاعاتي كه به خارج از آمريكا ميرود، اين سكتور را در اقتصاد آمريكا، و نقاط ديگر غرب، بي اهميت تر نميكند، زمانيكه موج جديد اقتصاد اطلاعاتي آغاز شود. اقتصاد اللاعاتي همه نيروهاي انساني كه بتواند در آمريكاو نقاط ديگر جهان بيابد را نياز خواهد داشت، زمانيكه به شكوفائي كامل خود دوباره بازگردد، در پي خيزش كاربرانapplications جديد.

در واقع كامپيوتر هاي قبل از كامپيوترهاي خانگيPC با ركود در سالهاي 1960 و 1970 مواجه شدند، به اين دليل كه افق هاي كاربردها گشوده نشد، تا آنكه كامپيوترهاي خانگيPC آن مانع را شكستند وقتيكه عرصه هائي نظير تايپ كردن word processing ، حسابداري شخصيspread sheets، و طراحي و ارائهpresentations كامپيوتري شده و در زمان كوتاهي متداول شدند، با تكميل شبكه ها در موسساتLAN كه به سرعت به تمام جهان گسترش يافته و هر استفاده كننده در خانه و دفتر را به ديگران در جهان متصل كرده است.

سري بعدي كاربرهاapplications با شبكه هاي جديد دنبال شده و تجربه زندگي واقعي را براي هر مصرف كننده كامپيوتر در جهان فراهم ميكند، در نتيجه ايده الهاي اولين پيش قراولان تجارت اينترنتي به واقعيت ميپيوندند، با اهميتي معادل اولين توسعه سرمايه تجاري در تاريخ بشر، با تغيير شكل كامل شكلي كه محصولات در جهان توليد و مبادله ميشوند، و ثروت واقعي در حقوق **مالكيت دانشي** بروي تكنولوژي هاي جديد خواهد بود. حتي امتياز مالكيت برروي يک نام يک سايت اينترنتي ميتواند بيش از داشتن امتياز بر مالكيت يک محل دو نبش در بازار بشود.

***

بحران اقتصادي تكنولوژي هاي نوين كه در سال 2001 آغاز شد همزمان با انتخاب جرج بوش به رياست جمهوري در آمريكا بود. كابينه بوش برروي صنايع ماقبل تكنولوژي هاي نوين، نظير نفت و خطوط هواپيمائي تأكيد داشت. از هم پاشي دات كام ها پيش از دوره بوش شروع شده بود، امل سقوط صنايع ارتباطات telecom با رياست جمهوري بوش شروع شد. معهذا، برنامه هاي **اقتصادي** بوش، به صنايع نفت و خطوط هواپيمائي كمک كرد، اما وي هيچگاه به تكنولوژي هاي نوين، دات كام ها ، و تله كام ياري نرساند.

شكست اقتصاد اطلاعاتي در غرب، بويژه در آمريكا، به موقعيت رژيم هائي نظير جمهوري اسلامي ايران كمک كرد. تمام اين سالها، چالش مقابل شوروي، جمهوري اسلامي ايران، و رژيم هاي واپس گراي ديگر، موفقيت توسعه فراصنعتي در غرب بود، و نه قدرت نظامي آمريكا. در واقع، امپراطوري شوروي بدون هيچگونه عمليات نظامي آمريكا يا ناتو، از هم پاشيد.

به عوض بوش سعي كرد تا بر چالش بعثي ها و اسلامگرايان در خاورميانه، از طريق قدرت نظامي فائق شود، و نه از طريق نشان دادن پيروزي اقتصاد فراصنعتي در آمريكا، كه ميتوانست جلب كننده اصلي مردم خاورميانه باشد، تا از تبليغات اسلامگرايان براي بهشت اسلامي دور شوند. متأسفانه آنچه دفاع از خود به حق در برابر حمله اسلامگرايان در **11 سپتامبر** بود، به مركز توجه كابينه بوش تبديل شد، و هزينه اش هم يک اقتصاد كاملاً شكست خورده.

در عرض دو سال، مراكز اصلي تكنولوژي نوين نظير سيليكان ولي در كاليفرنيا طي اين پروسه مردند، و تصوير بزرگتر آنكه آمريكا جذابيت خود را در خاورميانه و نقاط ديگر، از دست داد، آنهائي كه به سيليكان ولي و مراكز ديگر تكنولوژي در آمريكا، بمثابه ايده ال توسعه اقتصادي خود مينگريستند، در فراسوي رژيم هائي نظير جمهوري اسلامي.

مهاجرين تازه ايراني بسوي كشورهائي نظير استراليا رفتند، وقتيكه اخبار خويشاوندانشان را كه يا در سيليكان ولي در آمريكا براي زنده ماندن در اين ئانفساي اقتصادي ميشنيدند، يا از خويشاونداني كه به ايران بازگشته بودند، با ترجيه قبول زندگي تحت شرايط نا مطبوع جمهوري اسلامي، وقتيكه ميتوانستند زندگي خود و خانواده شان را تأمين كنند، تا كه در صف بيكاران در سيليكان ولي و مراكز ديگر تكنولوژي نو در غرب، بايستند.

مراكز تكنولوژي نو در آمريكا تحت برنامه هاي اقتصادي بوش به سقوط رفتند، و اقتصاد شكست خورده غرب به رژيم ملايان كمک كرد، و به اين معني بود زيان براي نيروهاي سكولار فراصنعتي در خاورميانه بود، كه برنامه شان با اقتصادهاي شكست خورده تكنولوژي نو در غرب و تجاوز آمريكا به عراق هم هويت شده بودند، صرفنظر از آنكه در **صف بندي هاي جهاني** چه موضعي اتخاذ كرده بودند.

در واقع، توسعه فراصنعتي در غرب، از سوي نيروهاي ناسيوناليست افراطي، كه به توسعه فراصنعتي علاقه اي نداشتند، صدمه ديد، همانگونه كه نيروهاي ماقبل صنعتي در خاورميانه، پيشرفت كشورهائي نظير ايران را سد كرده اند. بنابراين به عبارتي، آمريكا هم نظير ايران، با مانع سياسي براي توسعه فراصنعتي روبروست، هرچند نيروي سياسي اي ديگر.

اگر در نوامبر، آمريكا آنتوراک توسعه فراصنعتي جرج بوش را پشت سر گذارد، و باري ديگر اقتصاد اطلاعاتي در غرب وارد مسابقه شود، بازنده اصلي رژيم هاي واپس گرا در خاورميانه نظير جمهوري اسلامي ايران خواهند بود، اما سيستمهاي

واپس گراي آنها، كه نه تنها مانه توسعه فراصنعتي در خاورميانه هستند، بلكه سيستمهاي واپس گرايشان بمثابه دولت ايده ال ، از سوي حاميان تروريست شان، ترويج ميشود، كه امكان توسعه فراصنعتي مسالمت آميز را در جهان به خطر ميياندازند.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ
http://www.iranscope.com
1 تیر 1383
June 21, 2004

متن بزبان انگلیسي
http://www.ghandchi.com/341-CrisisEng.htm

این نوشته مقدمه ویراش جدید کتاب ایران آینده نگر است
http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm

مقالات تئوریک
http://www.ghandchi.com

فهرست مقالات
http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html